

سرود تبریز بزرگ

مفتون امینی



یدالله مفتون امینی از زمره شاعران برجسته معاصر ایران به شمار می آید. مفتون امینی بخشی از زندگی خود را در آذربایجان و شهر تبریز گذرانیده و در شعرهایش عشق و علاقه خویش به آذربایجان و ایران و شهرهای آن را به نمایش گذاشته است. مفتون امینی در سالهای اشغال ایران از سوی شوروی و سلطه فرقه دمکرات در تبریز دانش آموز بود و در خاطرات خود از آن سالها به سرکوب فرهنگ و زبان ملی ایران در مدارس تحت سلطه فرقه دموکرات اشاره می کند. شعرهای مفتون امینی بیانگر پاک ترین احساس نسبت به سرزمین مادری خود آذربایجان و تبریز است و در عین حال عشق و علاقه او به ایران کهن را نشان می دهد. مفتون امینی در سالهای پس از فروپاشی فرقه دموکرات، در لابلای شعرهای خود این گرایشات و احساسات میهنی را به بهترین شکل به نمایش در آورده است. یکی

از مجموعه های شعری او کولاک است که در سالهای دهه ۱۳۳۰ شمسی انتشار یافت. کولاک، گزیده بسیاری از اشعار کلاسیک او و پیرامون آذربایجان، ایران و شهرهای آن است. از جمله آنها می توان به شعرهای حماسی ارگ تبریز اشاره کرد. نشریه ایران مهر به پاس بزرگداشت این شاعر گرانمایه ایران، و برای آشنایی خوانندگان با بخشی از شعرهای او، شعر تبریز را به خوانندگان خود معرفی می کند. شعرهای او و شعرای بزرگی چون شهریار که از ستایشگران و مشوقان مفتون امینی نیز بوده، نشان می دهد دسیسه هایی که شوروی داشت و نشانه های آن در بوجود آوردن فرقه دمکرات آذربایجان تجلی نمود نتوانست ایران دوستان را فریب دهد و آنها همچنان بر محوریت آذربایجان در میهن پرستی ایرانی خود تاکید کردند.

ایران مهر



از من سلام ای شهر پولادین تبریز
از من سلام ای سرزمین قهرمان خیز
می بینمت از دور، پر فر و دل انگیز
گرد تو آن کوه بلند ارغوانی
تمثال صدها موج سرخ قهرمانی
ای یادگار شوکت دیرینه مادا

تبریز ای تبریز طوفان دیده ما
ای پایگاه مردم شوریده ما
ای مدفن آمال سر کوبیده ما
بگذار تا کوه سهند آتش فشاند
سامان دشمن را بخاک و خون کشاند
شاید بسوزد ریشه نیرنگ و بیدادا

تبریز مردان تو سر سختند و یکرنگ
با خون خود شویند از دامان خود تنگ
زحمتکش صلحند و هم دشمن کش جنگ
خلق تو در مشروطه پرچمدار گردید
از نهضت تو ملتی بیدار گردید
مدیون مردان تو شد ایران آزادا

ای شیر خواب آلوده آخر جنبشی کن
در بیشه خاموش ایران غرشی کن
همدوش با مردان میهن کوششی کن
بر بند چشم یاری از همسایه خویش
وقف نیاز خویش کن سرمایه خویش
تا خانه خود را کنی رنگین و آباد!

تبریز! این سوداگران یاری تو
بس مهربان بودند در غمخواری تو
اما حذر جستند از بیداری تو
آوخ که دشمن جز دل خوشباورت نیست
جز ساکنین این سرا کس یاورت نیست
رزم تو با مردم فریبان بی امان باد!

ای سنگر آزاد مردان جاودان باش
همواره در تاریخ ایران قهرمان باش
بر گنج آذربایجانی پاسبان باش
فرزندها پرور بدامن پاک و بی باک
تا پرچم میهن سرافرازد بر افلاک
ایران ز تو شاد و تو از ایران شوی شادا